**بسم الله الرحمن الرحیم [[1]](#footnote-1)**

عرض شد که جمعی از اصولیان در شبهات موضوعی فحص و جستجو حق داریم اصل برائت جاری کنیم، از جمله محقق خویی در مصباح الاصول ج 2 ص 510 دلیلشان را بر این مدعا ذکر می‌کنند که دیروز ما مختصر اشاره کردیم. [[2]](#footnote-2)

خلاصۀ دلیلشان این است که می‌فرمایند از طرفی حدیث رفع اطلاق دارد، حکم مجهول، مرفوع است چه حکم کلی باشد و چه حکم جزئی باشد، در شبهات موضوعی، و چه قبل از فحص باشد یا بعد از فحص باشد، پس حدیث رفع اطلاق دارد.

از طرفی دیگر محقق خویی می‌فرمایند ادله‌ای که بیان شد بر لزوم فحص و تعلم و جستجو، این ادله اختصاص دارد به شبهات حکمی، مثل آیۀ سؤال و «هلا تعلمت» و سایر ادله، و شامل شبهات موضوعی نمی‌شود پس در شبهات موضوعی به اطلاق حدیث رفع تمسک می‌کنیم و می‌گوییم هر چند قبل از جستجو و فحص در شبهۀ موضوعی «رفع ما لا یعلمون» لذا فحص لازم نیست.

عرض ما این است که ما قبول داریم بعضی از ادله‌ای که که مفادشان این بود که فحص لازم است، لسانش اختصاص داشت به شبهات حکمی، مثل «فاسلوا اهل الذکر» یا «هلا تعلمت» اینها اختصاص داشت به شبهات حکمی. ولی ادلۀ دیگری هم اقامه شده بود بر لزوم فحص که آن ادله اختصاص ندارد به شبهات حکمی و شامل شبهات موضوعی هم می‌شود. از جمله جالب توجه است که یک دلیل عقلی را خود محقق خویی بیان کردند و در چند مورد ایشان می‌فرمایند دلیل وجوب فحص در شبهات همین دلیل عقلی است. آن دلیل عقلی اختصاص ندارد به شبهات حکمی.

خلاصۀ آن دلیل ایشان بود که می‌فرمودند از طرفی خداوند در ابلاغ احکام طریق عقلائی را در پیش گرفته است و روش خاصی ندارد و آن طریق این است که حکم را در معرض وصول قرار داده است، لذا وظیفۀ عبد فحص و جستجو است، اگر فحص نکرد، احتمال ضرر و احتمال عقاب است، ممکن است تکلیف داشته باشد و جستجو نکرده و به آن نرسیده است، دفع ضرر محتمل به حکم عقل واجب است لذا جستجو لازم است.

جریان این دلیل در شبهات موضوعی آکد است به خاطر اینکه فرض این است که عبد حکم کلی را می‌داند «الخمر حرام»، شک دارد آیا بر این مایع خمر منطبق است یا نه؟ اگر منطبق بود این عبد تکلیف دارد و اگر مخالفت کرد عقاب دارد. اینجا هم احتمال عقاب است، دفع عقاب محتمل واجب است. لذا دلیل عقلی که ایشان اقامه کردند بر وجوب فحص، اختصاص به شبهات حکمی ندارد و شامل شبهات موضوعی هم می‌شود.

چنانکه آن دلیل عقلی که ما اقامه کردیم شبهات موضوعی را هم شامل می‌شود. آن دلیل این بود که از طرفی خداوند بدون شبهه تکالیفی را برای ما آورده است، اگر فحص لازم نباشد، انسان خودش را جاهل قرار بدهد نسبت به احکام و بعد وظیفه‌ای نداشته باشد نقض غرض است و بعث رسل و انزال کتب لغو می‌شود. این بیان در شبهۀ موضوعی هم است. اگر کسی در موارد شک در انطباق دنبال رفع شک نباشد در انبوه این موارد، بدون جستجو بگوید من تکلیف ندارم، پس ارسال رسل و انزال کتب برای چیست؟ در غالب موضوعات انسان می‌تواند خودش را در جهل نگه دارد، من سفر می‌روم چه کار دارم چند فرسخ رفته‌ام، من غیبت می‌کنم می‌گویم نمی‌دانم این شخص مسلمان و عادل است یا فاسق است و جایز است غیبت او، بدون فحص بگویم ان شاء الله غیبتش جایز است و تهمت هم به او بزنم، فلانی اهل بدعت است یا نه، فحص نکنم، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و ارسال رسل لغو می‌شود.

**نتیجه:** ما باشیم و قواعد اولی، ما اطلاق حدیث رفع را در شبهات موضوعی که شامل جریان حدیث رفع شود قبل از فحص، قبول نداریم طبق ادلۀ اولی و همان دلیل عقلی، حدیث رفع اطلاق ندارد و شبهات موضوعی قبل از فحص را شامل نمی‌شود.

**مرحلۀ دوم:** آیا ادلۀ خاصی داریم که مفادش این باشد در شبهات موضوعی هر چند در مواردی فحص لازم نیست؟

بله، ما روایات معتبری داریم که مضمونش این است در مواردی در شبهات موضوعی فحص لازم نیست ولی از این روایات دو برداشت مطرح شده است:

**برداشت اول:** در برخی از کلمات آمده است که از این روایات تعمیم و یک قاعدۀ کلی را استفاده می‌کنیم یعنی گویا از این روایات برداشت می‌کنیم که در شبهات موضوعی مطلقا فحص لازم نیست.

**برداشت دوم:** از این روایات تعمیم استفاده نمی‌شود و اینها موارد خاص هستند، نتیجه این می‌شود طبق ادلۀ خاص در بعضی از موارد در شبهات موضوعی شارع مقدس فحص از ما نخواسته است ولی نه همۀ شبهات موضوعی، اینها موارد خاص هست.

سه طائفه روایت را ما سربسته اشاره می‌کنیم که این سه طائفه به نظر ما موارد خاص است و تعمیم از آنها استفاده نمی‌شود:

**طائفۀ اول:** روایات سوق المسلمین است، ما روایاتی داریم که مضمونش این است؛ راوی از بازار مسلمانان گوشت می‌خرد، شک دارد میته است یا مذکی است، فری اوداج اربعه شده است یا نه؟ پوست یا کفش چرم می‌خرد، شک می‌کند این پوست از حیوان مذکی است یا نه؟ مضمون این روایات می‌گوید در این شبهۀ موضوعی فحص لازم نیست و نمی‌خواهد جستجو کنید.[[3]](#footnote-3)

توهم شده است که ببینید این موارد شبهۀ موضوعی است امام علیه السلام فرموده جستجو لازم نیست و بگو ان شاء الله پاک است و اصل حل مثلا جاری کن.

این روایات روشن است که یک تعلیلی در آنها وارد شده است که در مورد خاص و به جهت خاصی است.

به عبارت دیگر اگر در این روایات تعلیل نمی‌بود یا علت اینگونه ذکر می‌شد که این شبهۀ موضوعی است و فحص نمی‌خواهد، مطلب تمام بود ولی این روایات یک تعلیلی دارد، می‌گوید در سوق المسلمین در این شبهۀ موضوعی فحص نکن و الا لم یبق للمسلمین سوقا، می‌خواهد بگوید سوق المسلمین امارۀ تعبدی است بر حل چون مسلمان هستند و مسلمانان غالبا خصوصیات را رعایت می‌کنند شما لازم نیست اینجا جستجو کنید، شاهدش این است که اگر ملاک عدم فحص به خاطر شبهۀ موضوعی بود، فرقی بین سوق مسلمین و غیر سوق مسلمین ندارد شبهۀ موضوعی در همه جا شبهۀ موضوعی است، اگر شبهۀ موضوعی فحص لازم ندارد چه فرقی بین بازار مسلمانان و غیر مسلمانان است.

پس روشن است که از این طائفۀ اول تعمیم استفاده نمی‌شود این طائفۀ اول می‌گوید سوق مسلمین امارۀ تعبدی است بر حلیت و به خاطر این اماره بگو حلال است پس این طائفه ربطی به مدعا ندارد. طائفۀ دوم و سوم خواهد آمد.

1. - جلسه 47 – مسلسل 262– یک‌‌‌‌‌شنبه – 19/10/1400 [↑](#footnote-ref-1)
2. - مصباح الأصول ( طبع موسسة إحياء آثار السيد الخوئي ) ؛ ج‏1 ؛ ص566:«و أمّا البراءة الشرعية: فلا إشكال أيضاً في عدم اعتبار الفحص في جواز الرجوع إليها في الشبهات الموضوعية عملًا باطلاق أدلّتها من قوله (عليه السلام): «كل شي‏ء فيه حلال و حرام فهو لك حلال حتّى تعرف الحرام منه بعينه» و غيره ممّا ذكر في محلّه، و قد ورد بعض الأخبار في خصوص الشبهات الموضوعية فراجع.». [↑](#footnote-ref-2)
3. - مثل این روایت: تهذيب الأحكام؛ ج‌9، ص: 72: «307- 42- مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ فُضَيْلٍ وَ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُمْ سَأَلُوا أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ شِرَاءِ اللَّحْمِ مِنَ الْأَسْوَاقِ وَ لَا يَدْرُونَ مَا صَنَعَ الْقَصَّابُونَ قَالَ كُلْ إِذَا كَانَ‌ ذَلِكَ فِي سُوقِ الْمُسْلِمِينَ وَ لَا تَسْأَلْ عَنْهُ». [↑](#footnote-ref-3)